



افسانه شفیعی

زاه‌احدید تبعه انگلیس و با اصالت عراقی یکی از مشهورترین معماران زن جهان بود که در ۶۵سالگی فوت کرد. خبر فوت ناگهانی او نه تنها جامعه معماری بلکه همه افشار مردم را تکان داد. حدید بیش از ۹۴۰ پروژه را طراحی کرد که تعداد زیادی از آنها به دلیل برهزرنه‌بودن و پیچیدگی اجرا نشد.او به‌عنوان معمار ساختارشکن با فرم‌های شگفت‌انگیزش منبع الهام بسیاری از جوانان معمار در سراسر دنیا است. گفت‌وگوی زیر با علی اکبر صارمی درباره تأثیرات معماری زaha حدید در ایران و جهان است.

❧ زaha حدید به عنوان یکی از معماران زن مشهور جهان به‌تازگی فوت کرد. کمی درباره آثار و شیوه معماری ایشان بفرمایید.

زاه‌احدید از معماران گذار بود که از چین گرفته تا دوبی و آذربایجان آثاری دارد و قرار بود در ایران هم پروژه‌هایی داشته باشد. حدید از اولین کسانی بود که سعی کرد با استفاده از کامپیوتر طراحی کند. در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ در دفتر معمار معروف هلندی رم کولهاس آموزش دید و کار کرد و چون رم‌کولهاس خودش روزنامه‌نگار و اهل نوشتن بود و تئوری می‌دانست، یاد گرفت درباره معماری‌اش حرف بزند. در آن سال‌ها کامپیوترهایی بود که می‌توانستید با آنها نقشه‌های دوبعدی بکشید و حدید از این امکان به خوبی بهره برد.

❧ تفاوت آثار حدید با آثار معماران پیش از خود چه بود؟

در اوایل قرن بیستم افرادی چون ون و وه و لوکوربوزیه متأثر از نقاشی زمان خودشان به خصوص نقاشی‌های ابسترک موندریان و کاندینسکی بودند. به خصوص موندریان که نقاشی‌ خالصی داشت و از مربع و مستطیل و کاملاً مستقیم‌الخط با رنگ‌های اصلی زرد و آبی استفاده می‌کرد. بازتاب این نقاشی در کارهای معماری وندرویه تبدیل شد به مکعب‌های صاف و ساده که کنار هم گذاشته شد و این سبک از معماری به سرعت در کل جهان و همچنین ایران اثر گذاشت. از لوکوربوزیه و آثار بتنی او در ایران استقبال شد و در آثار مهندس هوشنگ سیحون می‌توان آن را بارش‌ناخت. همین امروز هم کارهایی که انجام می‌دهیم به خصوص مجموعه شورای شهر مشهد باز بتن لخت است که تأثیرات آن زمان را در آنها می‌بینیم. زاه‌احدید معماری مستقیم‌الخط را در پلان‌ها و نقشه کنار گذاشت، هر چند باز متأثر از همان نقاشان بود اما این نقاشان هم در سبک و سیاق خود تغییراتی داده بودند و آثارشان مغایر با بوم نقاشی بود. زاه‌احدید تحت تأثیر نقاشانی چون مالوچ و کاندینسکی پلان‌های مستقیم‌الخط را عوض و پلان‌های منحنی را جایگزین کرد. با توجه به احاطه‌اش بر کامپیوتر توانست کارهایی بیافریند که مشابه معماران دیکانسترآکشنیست چون پیتز آرمنز با فلسفه ژاک دریدا باشد و ساختارشکنی در معماری را پایه گذاشت. بعدها که کامپیوترها قوی‌تر شدند طرح‌های زaha حدید هم پیچیده‌تر و سه‌بعدی‌های چشمگیری شدند که تبدیل شدند به احجام منحنی‌ای که درون هم می‌پیچند و دارای سازه‌های مشکلی بودند که گروه‌های مهندسی یشررفته جهان آنها را کار می‌کردند. همین امر باعث شد مهندسی معماری هم پیشرفت کند.

❧ تأثیر زaha حدید در ایران چگونه آغاز شد و چه راهی رفت؟

در ایران اگر دو دوره تأثیر از معماری غرب را در نظر بگیریم، در آثار معماری قرن بیستم بیشتر مسئله اجتماعی سوسیالیسم و مردم‌مطرح بود و می‌گفتند ما برای مردم کار می‌کنیم. چون با این معماری ساده می‌شد خیلی راحت ساخت. پروژه‌های ساختمانی در این دوره اوج گرفت. کارهای سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۴۰ و ساختمان‌هایی با طرح‌های ساده و سطوح صاف و پنجره‌های کشیده است و دیگر از تزئین خبری نبود. این معماری کاملاً اجتماعی بود و روی شهرهای ما اثر گذاشت به خصوص که قابل تکرار بود. همین معماری ۲۰ سال گذشته در کل دنیا تکثیر شد؛ از توکیو و برلن گرفته تا همین تهران. الان کل خیابان طالقانی و مطهری همان معماری ساده مدرنیستی است. اما در ۲۰، ۱۰ سال گذشته معماری به خاطر تأثیرات همین معماران به اصطلاح ستاره‌ای چون زaha حدید و آیزنمن و ... تغییرات عمده‌ای کرده است. آثار این معماران بسیار جذاب است اما دیگر مسئله اجتماعی در آنها اهمیت ندارد. البته آنها بیشتر موزه و نمایشگاه ساختند و آثارشان جنبه‌های توریستی دارد. موزه بیل بانو کار فرانک گهری در شهر کوچکی از اسپانیا باعث پیشرفت قابل‌توجه این شهر شد و امروز باید بلیت همه افراد بشر با هم متفاوت هستند و زن بودن تنها

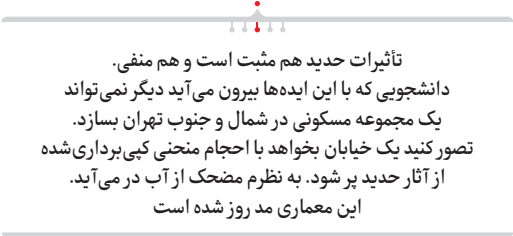
یکی از این تفاوت‌هاست. اما در جوامعی بنا بر مصلحت جامعه برای هرچه سریع‌تر محقق شدن اهداف جامعه مردسالار، این تفاوت‌ها تبدیل به تمایز شده و زن، جنس دوم نام‌گذاری می‌شود. درنتیجه جامعه زن خوب را به صورت همسر وفادار یا مادر نمونه تعبیر می‌کند و زنی را مستند قرار می‌دهد که روزگاری به بیرونی امنیت ذهنی مالکش را سر می‌شده؛ بنابراین به بیرونی امنیت ذهنی مالکش را برهم می‌زده؛ در مطبخی متفاوت با معماری مدرن و به دور از چشم بیگانگان پخت‌وپزی می‌کرده و اگر کلون در بیگانگان کوفته می‌شد، در را باز نمی‌کرده است. اینکه یک زندگی براساس پیچزایندن برنامه‌ریزی شود، در حال متفی شدن است. حال زن مؤلف شد به معماری می‌گردد و هنر را تا ابعاد گوناگون می‌کشدان تا سررده‌هایی نظیر: زنان را همین بس بود یک هنر؛ نشیوند و زایند شیران نر را زیر سؤال ببرد. اکنون وقت آن است که گسستی کامل با سنت شکل گیرد. سنتی‌بودن در اینجا به این معناست که قواعد جامعه مشخص و ثابت و از پیش وضع‌شده است و افراد وظیفه‌ای جز اطاعت از این قواعد را ندارند و هرچقدر بیشتر اطاعت کنند، بیشتر مورد تأیید جامعه قرار می‌گیرند. ریشه‌ای‌ترین مشکل اینجاست که مبانی رایج در جامعه مورد سؤال قرار نگرفته و زنان مطیعان بی‌چون‌وچرای هر آنچه به آنها روا می‌دارند، قوانین جامعه مردسالار را بازتولید می‌کنند. زنان همواره خود را به صورت ایژه یا موضوع شناخت و ابزاری‌شده باور دارند و هنوز خود را در مقامی نمی‌بینند که سوره باشند. بدیهی است حق همیشه در برابر مسئولیت است. با وجود اینکه انسان در قبال پذیرش مسئولیت، آرامش و آسایش خیال صدردصد خود را از دست می‌دهد، اما در قبالش چیزهای ارزشمندتری را به دست می‌آورد. ناگاهی سبب می‌شود زن شرایط موجود را با تمام دل‌تاه پیبدرد تا تن

زاه‌احدید به روایت علی اکبر صارمی

سوپر استارهای توجیه‌گر



بحری و در صف بایستی تا بتوانی از آنجا دیدن کنی، منتها پروژه‌های این معماران روی دانشجوهای معماری، به‌ویژه دانشجویان معماری ایران اثر زیادی گذاشته است. از آنجایی که دانشجویان بر کامپیوتر هم مسلط هستند کارهای زیبایی می‌کشند اما اینها اصلاً قابل تکرار و حتی قابل ساخت نیست. یک معمار در زندگی‌اش مگر چند بار موزه می‌سازد، اصلاً شاید در زندگی‌اش هیچ‌گاه امکان ساخت موزه نداشته باشد. با این حال طرح‌های مجسمه‌وار در کشوری مثل ایران که نه امکانات سازه‌ای آنها وجود دارد و نه بودجه اینها تأمین می‌شود، معنی ندارد. زaha حدید یکی از معمارانی بود که کارهایش روی دانشجویان معماری ایران بسیار اثر گذاشته و من شاهد این تأثیرات هستم. اما همان‌طور که



مرثیه‌ای که تنها برای زaha حدید نیست

معمار و رؤیایرداز

ندا اکبری

به شرایطی جدید که برایش روشن نیست، ندهد. معماری قرن‌ها رشته‌ای متعلق به مردان بوده است، اگرچه شمار زنان فعال در رده‌های بالای معماری به‌ویژه در چند سال اخیر رشد چشمگیری داشته و این تعداد با وجود چالش‌های موجود همچنان در حال افزایش است. زaha حدید بر این باور بود که در دوران تدریس در دانشگاه‌ها، زنان بهترین دانشجویان او بوده‌اند، اما پس از اتمام تحصیل این تعداد در مواجهه با صنعت و جامعه، با رانشی عظیم مواجه می‌شود. نابرابری و بی‌عدالتی در محیط کار، عدم ایجاد تعادل بین کار و خانواده به دلیل طولانی‌بودن زمان کار و ساعات کاری غیرقابل اعتناط، از دلایلی است که همواره سبب می‌شود زنان سهم کمتری از جامعه فعال معماری داشته باشند. زaha حدید به دلیل ارائه روشی که نشان می‌داد زنان معمار چگونه موفق می‌شوند و مقبولیت می‌یابند، جایزهای نصیب خود کرد اما به دلیل ارائه‌ندانن راه‌حلی برای تنظیم رابطه متعادل میان کار و زندگی مورد انتقاد قرار گرفت. او یک معمار زن خوب نبود، یک معمار خوب بود. اگرچه معماران زن زیادی هستند ولی همواره به‌عنوان بخشی از تیم همسرانشان و در سایه آتیه باقی مانده‌اند. در سال ۱۹۹۱ رابرت ونتوری جایزه پریتزگر را دریافت کرد. با وجود تلاش‌های مکرر برای یادآوری عموم که کار برنده محصولی از همکاری بین رابرت ونتوری و ندیس اسکوت براون است، این جایزه منحصرأ به رابرت ونتوری اهدا شد. بیانه درخواست اسکوت براون برای به‌رسمیت‌شناختن نقش او در جایزه پریتزگر تا به امروز با بیش از ۲۰ هزار

معماری

گفتم تأثیرات حدید هم مثبت است و هم منفی. دانشجویی که با این ایده‌ها بیرون می‌آید دیگر نمی‌تواند یک مجموعه مسکونی در شمال و جنوب تهران بسازد. تصور کنید یک خیابان بخواهد با احجام منحنی کپی‌برداری‌شده از آثار حدید پر شود. به نظر مضحک از آب در می‌آید. این معماری مد روز شده است. مسائل محیط‌زیست و اجتماعی تعیین‌کننده است و دیگر ما هر چیزی را در هر جایی نمی‌توانیم بسازیم بلکه باید جنبه‌های محیط‌زیستی و اکولوژیستی کار را حتماً در نظر بگیریم. معماری برای مردم است، آن هم در درازمدت.

❧ فکر می‌کنید در طرح‌های زaha حدید تا چه اندازه به محیط‌زیست و مسائل فرهنگی توجه شده است؟

این معماران سوپر استار توجیه‌گر کارهایشان هم هستند. انواع توجیهات و تئوری‌هایی که با فلسفه‌های مختلف رنگ‌آمیزی می‌شود، می‌یابند تا بگویند این کار برای این کشور یا این شهر مناسب است. مرکز حیدر علی‌اف در آذربایجان یک موزه است که ساختمانی عظیم با اشکال پیچیده دارد و شبیه معماری بومی این کشور هم است و طاق هم برایش تعبیه شده است، اما به نظر من اصلاً به محیط نمی‌خورد.

❧ به نظر شما آثار زaha حدید روی معماران اروپا و آمریکا هم چنین تأثیراتی داشته است؟

اولا این را بگویم که اروپا و آمریکا از چنین معماری‌هایی اشباع شده است و آنها هم آنقدر مته به خشخاش می‌گذارند که کمتر در اروپا چنین ساختمان‌هایی می‌بینید؛ چون دقیق و حساس هستند و پول بی‌خود خرج نمی‌کنند. حالا ممکن است یک موزه بسازند؛ مثل موزه اسپانیا، ولی از این آثار معماری بیشتر در دوبی، چین و کره استقبال شده است. دوبی موزه معماری است و اصلاً شهری نیست که بتوانید بیشتر از دو، سه روز در آن طاقت بیاورید؛ چون اساساً ضد محیط‌زیست است. کارهای معماری گوناگون و برج شیخ زائد ضدمحیطی است و چند روز پیش هم آتش‌سوزی‌ای در یکی از این برج‌ها برای بار دوم اتفاق افتاد. اگر اتفاقاتی از این دست بیفتد فاجعه است. رئیس جمهور چین هم مدتی پیش اعلام کرده است دیگر نمی‌خواهیم آثار معماری به اصطلاح قبل هوا کنی در آنجا داشته باشیم.

❧ قرار بود یکی، دو پروژه معماری از زaha حدید در ایران نیز ساخته شود، مثل فاز دو برج میلاد و هتل آپارتمان الهیه. نظرتان درباره این طرح‌ها چیست؟

تنها کاری که دیدم پروژه برج‌های دوقلو نزدیک برج میلاد است. خوشبختانه به آن بلندی که در نظر گرفته بودند، ساخته نشد. جای پروژه جای درستی نیست و گویا کوتاهش هم کرده‌اند. حالا اینکه ادامه بدهند یا نه، نمی‌دانم. یکی از کارهایی که معمار باید بکند این است که سبب رآیند وگرنه معماری تلگرافی و تلفنی و کامپیوتری چه معنی دارد؟ ساختن جدید اصلاً ایران نبوده است. طرح را کشیده و ارسال کرده و به نظر خیلی کپی از کارهای دیگرش است. با عکس هم نمی‌شود چیزی تشخیص داد. هر چقدر هم بگویند این تصویر زمین است و می‌فرستیم، بوی آن محیط، صدای محیط و فضای محیط را باید شناسید؛ کاری که ما معماران قدیم می‌کردیم، این است که من خیلی از این کارها را نمی‌پسندم. فرانک لوید رایت خانه‌ای برای یکی از این خانم‌های پهلوی ساخته ولی خودش نبوده و الان تبدیل شده به موزه‌ای ناموفق. اینها ضدمعماری اجتماعی است که ما سعی می‌کنیم در کشورمان داشته باشیم و حفظ کنیم. **❧ دو پروژه زaha حدید در ایران را با روح معماری ایرانی همخوان می‌دانید؟** به‌هیچ‌وجه. روح معماری ایران را با گذاشتن چند مونتیو و چند تا اجر نمی‌توانید ایجاد کنید. من همیشه به دانشجویان جوان می‌گویم بروید ایران را گردید و واقعا حسش کنید. احساس معماری ایران واقعا لازم است. آن موقع کاری که می‌کنید درخشان این مملکت است وگرنه وقتی از دور به خانم حدید یک‌سری عکس از ایران نشان بدهید و بگویید حالا برای آن طراحی کن، چیزی از روح معماری ایران در آن نخواهید یافت. هر چقدر هم ظاهرش موفق باشد، در باطن، یک شو معماری است. کسی که سرمایه‌گذاری می‌کند، یک شو درست کرده است. حالت بینزینسی کار مهم‌تر از این است که حالا بگوییم آیا معماری ایرانی هست یا نیست.

❧ اگر صحبت بایانی دارید، بفرمایید.

خانم حدید در ۶۵سالگی فوت کرد و آثار زیادی از خود به‌جای گذاشت. روحشان شاد باشد. من از کارهای ایشان به عنوان کارهای مجسمه خوشم می‌آید، اما خوش نمی‌آید که به هیچ‌وجه در ایران از ایشان تقلید یا تکرار شود.

بزرگ او ایستگاه آتش‌نشانی کارخانه مبل‌مان سازی ویترا در ویلم راین آلمان است که او در ۴۴سالگی طراحی کرد. هم‌زمان در همین سال نلسون ماندلا در انتخابات دموکراتیک عمومی به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور سیاه‌پوست آفریقای جنوبی برگزیده شد. مادامی که تبعیض نژادی وجود دارد، تبعیض جنسیتی موضوع غیرمنطقی و پیچیده‌ای نیست. این دو اتفاق در یک سال نودبخش آگاهی و خردجمعی بود. با وجود این، با نئیز با وجود زaha حدیدبودنش از طعنه و کنایه جامعه مردانه در امان نماند. چندی پیش استادیوم جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطرش را در یک هیاهوی عظیم به یک مورخ غول‌پیکر تشبیه کرده‌اند که سبب حاشیه‌سازی‌های فراوانی شد. فرهنگ‌سازی کاری که کشورهاى در حال توسعه از جانب نهادهای دولتی به جامعه سرریز می‌شود و در جامعه‌ای مانند ایران که فقط با افکار جامعه‌ای مردسالار اهداف محقق می‌شوند، همواره ترجیح داده می‌شود فرهنگ‌سازی صورت نگیرد. درنتیجه در رسانه‌ها؛ اعم از تلویزیون، رادیو، درودیار شهر و به هر صورت اعم، الگوی یک زن نمونه فراتر از یک مادر خانه‌دار با همسر مطیع نمی‌رود. در جامعه‌ای که فرهنگ‌سازی صورت نگیرد، زنان باید خود برای تغییر دیدگاه جامعه وارد عمل شوند.

مانند آخرین صحنه از یک نمایش ترازیک با موهایی که در باد آشفته شده‌اند و کت سیاهی که به تن دارد و با چشمان محزون شرقی و نگاهی نافذ همیشه به یادها خواهد ماند. زaha حدید درگذشت. خبر چنان هولناک بود که بیشتر به دروغ روز اول آوریل می‌مانست. دروغ نبود. او رفته و تمام ما وارثان سیری هستیم که او هموار کرد. این نوشتار تنها مرثیه‌ای برای زaha حدید نیست، فراخوانی است برای بازاندیشی ما زنان درباره موقعیت دشوار و غیرعادلانه جایگاهمان در مبارزه‌ای پایان‌ناپذیر برای بودن.

چوب‌خط

مرگ رؤیاهای گرافیتی

نسیم شکبیا

زaha حدید روز ۳۱ مارس ۲۰۱۶ در ۶۵ سالگی در بیمارستانی در میامی آمریکا بر اثر حمله ناگهانی قلبی درگذشت. او با بیش از ۹۴۰ پروژه که برخی از آنها در سراسر دنیا اجرا شد، از مشهورترین معماران جهان است. زaha حدید که در ۳۱ اکتبر ۱۹۵۰ در بغداد متولد شد، تحصیلاتش را در دانشگاه آمریکایی بیروت در رشته ریاضی گذراند و این رشته بعدها در معماری او تأثیرات شگفتی گذاشت. زaha معماری را در مدرسه «AA» لندن نزد معمار مشهور «رم کولهاس» فراگرفت. آنها همکاران خوبی شدند که دیدگاه‌هایشان به هم نزدیک بود و زaha در شرکت «OMA» نزد رم کولهاس مستقر شد. در دفتر «اتریک شوماخر» بود که زaha طرح‌های شگفت‌انگیز خود را ارائه کرد.

اولین اثر زaha حدید یک آتش‌نشانی در «وینترای» آلمان بود که بعدها تغییر کاربری داد و به گالری تبدیل شد. فرم‌های سیال و آزادانه و منحصربه‌فرد او برای موزه، استادیوم و سالن‌های عظیم، منجر به دریافت جوایز مختلف در حوزه معماری شد. او نخستین زنی بود که موفق به دریافت جایزه معتبر «پریتزگر» در سال ۲۰۰۴ شد. همچنین در سال ۲۰۱۲ لقب تشریفاتی «Dame» را از ملکه انگلیس دریافت کرد. جایزه «استرلینگ» و مدال طلای «ریبا»، «مدال سلطنتی معماری» و صدها جایزه معتبر دیگر او را به یکی از مشهورترین و پرافتخارترین بانوهای معمار جهان بدل کرد. ساختارشکنی و آشنایی‌زدایی از مشخصه‌های اصلی معماری اوست.

منتقدان زیادی درباره آثارش نظیر داده‌اند و از جمله یکی از مهم‌ترین نقدهایی که به کارهایش وارد می‌کنند این است که معماری او معماری مجسمه‌واری است. از نظر برخی منتقدان، زaha حدید به فرهنگ، بستر اجتماعی و محیط سایت توجهی نشان نمی‌دهد و طرح‌های پیچیده او مجسمه عظیم سریگیجه‌آوری است که خود را به دید تماشاکننده تحمیل می‌کند. زaha حدید به‌خوبی زمانه خود را لمس کرد و می‌توان آثارش را نمونه‌های موفق‌ی از گذار مدرن به پست‌مدرن تلقی کرد. او که تحت‌تأثیر فیلسوف پست‌مدرنی چون «ژاک دریدا» بود، به‌زعم خود، معماری چندمعنایی را به نمایش گذاشت.

بااین‌حال زaha هنوز هم منبع الهام بسیاری از معماران جوان در کل دنیاست. درعین‌حال زaha حدید الگوی موفق‌ی برای زنان معمار به حساب می‌آید که توانسته موانع را کنار بزند و وارد بازی تجارت شود. او قواعد مردسالارانه حاکم بر حوزه معماری را در هم شکسته است. از آثار مهم او ایستگاه سریع‌السیر «نایل»، قطار هوایی در اتریش، موزه «حیدر علی‌اف» در آذربایجان و مرکز ورزش‌های آبی لندن است. زaha حدید در سال‌های آخر زندگی خود چالشی جدید را پذیرفت که شامل طراحی یک مجموعه آپارتمانی لوکس مشرف به پارک «های‌لاین» در منهتن می‌شود.

در سال‌های اخیر ردپای زaha حدید در ایران نیز دیده شد و دو پروژه نیز در ایران طراحی کرد که یکی از آنها برج‌های دوقلوی هتل‌آپارتمان فرشته در الهیه تهران که درحال‌حاضر هر دو نیمه‌کاره مانده‌اند. زaha حدید فرم‌های بدیعی به معماری بخشیده است و جدای از خوب و بد این فرم‌ها توانسته رؤیاهای گرافیتی خود را در معماری عملی کند. مرگ او فقدان بزرگی برای جامعه معماری است و شاید به این زودی‌ها هم‌رده‌ای سر بر نیابد.

ستون سوم

دشواری‌های زaha حدید بودن



علی اعطا

یک – زaha حدید، یکی از مظاهر جریان معماری «ستاره‌محور» یا استارسیستم است. او را بارها به دلیل طراحی‌هایی جسورانه که از نوعی ذهنیت متفاوت ناشی می‌شد، ستایش کرده‌اند؛ طرح‌هایی با ویژگی‌های فرمی و فضایی شگفت‌آور و برگرفته از نگاهی متفاوت به هندسه، فرم و فضا. زaha حدید بی‌تردید، یکی از فاتحان رقابت سنگین ورود به جریان ستاره‌محوری در جریان معماری دنیای امروز است. از این زاویه، می‌توان او را بارها و بارها تحسین کرد، می‌توان به او جایزه مؤسسه سلطنتی معماری بریتانیا را اهدا کرد و می‌توان به اتکای جریان‌های متمرکز سرمایه، ثروت و شهرت، این معمار متفاوت و دارای استعدادهای ویژه در جهت خلق آثار معماری تندیس‌وار را به ستاره‌ای روشن‌تر در آسمان جریان ستاره‌محور معماری امروز، مبدل کرد؛ چنان‌که همه این رویدادها بارها و بارها به مدد استعدادهای ویژه زaha حدید، به مدد شخصیت متنفذ او و به مدد جریان‌هایی اقتصادی یا اجتماعی -فرهنگی، که این نوع معماری را با مطالباتشان همسو می‌بینند، مشاهده کرد. زaha حدید، بی‌تردید یکی از ستارگان درخشان آسمان جریان ستاره‌محور معماری است.

دو – همه ماجرا این نیست. پارادایم‌های دیگری در معماری امروز، مطرح شده‌اند که معیارهای تازه‌ای به دست داده‌اند تا براساس این معیارها، کسانی بتوانند آثار معماری را ارزیابی کنند. پروژه کهکشان «سوهو» که مجموعه‌ای است از بناهای تجاری و اداری، به‌عنوان اثری از این معمار، در یکن افتتاح می‌شود. این پروژه، جایزه مؤسسه سلطنتی معماری بریتانیا را دریافت می‌کند. مرکز حفاظت از میراث فرهنگی یکن، گویا در نامه‌ای سرگشاده، اهدای این جایزه به این پروژه زaha حدید را حیرت‌آور اعلام و آن را به دلیل تخریب بخشی از بافت قدیم شهر یکن نکوهش می‌کند. مضمون این نکوهش، روی دیگری از جریان ستاره‌محوری در معماری است. معماری منتج از جریان ستاره‌محوری، نوعی معماری است که اگرچه می‌تواند واجد بسیاری از ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و هنری در سطحی بالا باشد، اما در عین حال متکی به نمایاندن تفاوت‌های غیرمنتظره و بیان‌کننده ویژگی‌های بسیار فردی و شخصی است. به همین اعتبار، این نوع معماری می‌تواند و خود را مجاز می‌داند بافت تاریخی، پارامترهای زیست‌محیطی و فرهنگ و اجتماع را نادیده بگیرد و موجودی قائم‌به‌فرد باشد.

سه – حضور زaha حدید در ایران، دو شیوه حضور است. در شیوه اول حضور، زaha حدید در سال‌های گذشته، حال و به احتمال بسیار در سال‌های آینده، در ایران حضوری ژورنالی، دیجیتالی و تصویری داشته، دارد و خواهد داشت. این حضور، برگرفته از نوعی آرزوی دورودراز است؛ آرزوی متعلق شدن و متعلق بودن به جریان ستاره‌محوری در میان طبقی از جوانان معمار ایرانی. این شیوه‌ای از حضور زaha حدید در ایران است که سال‌هاست بر ذهن و عمل طیفی از معماران جوان حاکمیت داشته است. تعلق به جریان ستاره‌محوری، را مترادف بگیریم با حضور در کانون‌های توجه، در رسانه‌ها و در نهادهای در رأس بخشی از جریان حرفه‌ای معماری؛ در رأس بخشی از جریان مسابقات معماری و در فضاهایی از این‌دست. این تمنا و آرزو، بی‌تردید تضمین‌کننده ورود به جریان ستاره‌محوری نیست. اگرچه بی‌تردید آغاز، تمناست و خواستن است.

چهار– شیوه دیگر حضور حدید در ایران؛ حضور در قالب پروژه‌هایی است که سرنوشتهی مبهم پیدا کرده‌اند. در مسابقه طراحی معماری فاز دوم برج میلاد، طرح دفتر معماری زaha حدید است که مقام اول را کسب می‌کند و به‌عنوان طراح منتخب این پروژه معرفی می‌شود. پروژه بی‌سراجم می‌ماند، چراکه به استاد بحث و جدل‌های فراوان، در این طرح مسائل بستر و زمینه اثر دیده نشده است. پرش‌شهایی از قبیل اینکه آیا اساساً می‌توان چنین برج‌هایی با این ارتفاع در آن نقطه خاص ساخت؟ آیا اساساً طرح موضوع از سوی برگزارکننده این رقابت درست صورت گرفته است؟ آیا اساساً طرح جامع برج میلاد، می‌توانست این طرح را با این کاربری و این ارتفاع بپذیرد؟ به نظر می‌رسید مجموعه‌ای از پارامترها که سهم اصلی آنها به راهبرد نامناسب برگزارکننده و سیستم مدیریت شهری مربوط بود، این امکان را از حضور فیزیکی و واقعی پروژه زaha حدید در ایران سلب کرد. پروژه دیگر، پروژه هتلی در تهران بود که با فرازونشیب‌های فراوان، در حال ساخت است. گرچه اگر از ابتدا در رابطه با جانمایی این پروژه، تدابیر کارشناسی بهتری اندیشیده می‌شد، شاید این اثر می‌توانست یادگار بهتری از این معمار برجسته باشد.

پنج– در دنیای نسبتاً مردانه معماری، زaha حدید و تلاش‌هایش و حضور جسورانه‌اش به‌عنوان یک زن، تحسین‌برانگیز است. از شخصیت قوی و متنفذ او که حرکت در مسیر دشوار معماری در خاصه برای او فراهم می‌کرد، بسیار گفته‌اند. زیبایی‌شناختی خاصی که آثار او را متمایز می‌کرد، تحسین‌برانگیز است؛ حتی اگر با نگاه او به شهر، به پیرامون، به میراث و به محیط‌زیست موافق نباشیم.

